

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

می‌خواهیم ببینیم بعد از زمان خاص آیا استصحاب حکم خاص را کنیم یا تمسک به عموم؟ آیا این تفصیلاتی که در کلام مرحوم شیخ، آخوند و نائینی واقع شد قابل قبول است یا خیر؟ ولو اینکه ما نسبت به هر کلامی مناقشاتش را قبلاً ذکر کردیم اما حالا در بحث امروز باید یک جمع‌بندی نهایی کنیم نسبت به این دو مطلب. ابتدا فرمایش امام و آن کاری که داشتیم را یک اشاره‌ای کنیم.

مروری بر کلام مرحوم امام

گفتیم درست است زید موضوع برای زمان خودش واقع شده نه مطلق زمان ولی بین این مطلب و اینکه بگوئیم اصالة العموم افرادی موضوع برای عموم ازمانی است فرق وجود دارد. عموم افرادی و عموم ازمانی در عرض یکدیگر است یعنی در زمان واحد وقتی مولا می‌گوید اکرم العلماء هم اصالة العموم افرادی است و هم اصالة العموم ازمانی. عموم افرادی موضوع برای عموم ازمانی نیست تا ما بگوئیم این اصل جاری در عموم افرادی مقدم است بر اصل جاری در عموم ازمانی، ما وقتی به عرف و عقلا که این اصول لفظیه را جاری می‌کنند مراجعه می‌کنیم می‌بینیم، عقلا می‌گویند در عرض یکدیگر یک عموم افرادی داریم و یک اطلاق زمانی داریم، اکرام همه‌ی علما کل فرد فرد و فی جمیع الازمنه، حالا که تخصیص می‌آید لا تکریم زیداً يوم الجمعة، روشن است که این به هر دو ضربه می‌زند، هم دایره‌ی عموم افرادی محدود می‌شود و هم دایره‌ی عموم ازمانی.

ما الآن بالوجدان می‌دانیم دایره‌ی عموم ازمانی محدود می‌شود چون بالأخره در روز جمعه یک مقداری زید نباید اکرام شود، خود این زید از تحت العلماء بیرون می‌آید تخصیص می‌خورد، اکرم العلماء حکماً شامل زید نمی‌شود، روی فرمایش امام باید بگوئیم اکرم العلماء شامل زید روز جمعه هم می‌شود، اگر تخصیص نخورده لازمه‌ی عدم تخصیص این است که ما می‌گوئیم عرف و عقلا می‌گویند این لا تکریم زیداً يوم الجمعة به هر دو ضربه می‌زند.

ما وقتی به ارتکاز عقلا مراجعه می‌کنیم فارق از بحث‌هایی که بین اصولیین و یا در فقه شده می‌بینیم یک تخصیصی هم نسبت به افراد و هم نسبت به ازمان اتفاق افتاده، اما بقیة الافراد فی بقیة الازمان به قوت خودش باقی است. وقتی مولا می‌گوید اکرم العلماء بعد می‌گوید لا تکریم زیداً يوم الجمعة، حالا اگر از مولا بپرسیم زید روز شنبه را ما چکار کنیم به ما می‌خندد می‌گوید من که گفتم اکرم العلماء فقط زید روز جمعه را خارج کردم، خود مولا اصلاً برایشان یک امر غریبی است، اگر ما بخواهیم بپرسیم که روز شنبه چه کار کنیم؟ می‌گوید مگر روز شنبه کلام من مجمل است؟ من گفتم اکرم العلماء فقط زید روز جمعه را خارج کردم، در غیر روز جمعه همانطوری که بقیة العلماء واجب الاکرام هستند همین زید هم وجوب اکرام دارد. ما در نتیجه با مشهور که از جمله امام (رضوان الله تعالی علیه) است موافقیم یعنی در غیر آن زمان، در همان مورد خاص متبع اصالة العموم افرادی

بررسی کلام مرحوم شیخ انصاری

ما می‌آئیم سراغ این تفصیلهایی که در بحث داده شد^[1]؛ از کلام شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) شروع کنیم، شیخ فرمود اگر زمان در عموم ما مفرد باشد، می‌دانید مرحوم شیخ می‌گوید فرقی بین اینکه زمان در خاص قید باشد یا ظرف نگذاشتند، فقط آمدند زمان در عام را فرمودند اکرم العلماء، این زمان در آن مفرد باشد یعنی هر عالمی در هر زمانی یک حکم، یک موضوع مستقل و یک اطاعت و امتثال مستقل در مقابلش این را قرار دادند که زمان فقط به عنوان استمرار حکم است.

ما عرض کردیم اصلاً اسمی از عام مجموعی هم در عبارات مرحوم شیخ در رسائل نیامده است بلکه قبول داریم که روی دقت عقلی اکرم العلماء اگر زمان مفرد باشد می‌شود احکام مستقل، موضوعات مستقلة و اطاعت و امتثال مستقل، ولی آیا خود عرف هم چنین چیزی را می‌پذیرد؟ شما یک وقت می‌گوئید اکرم العلماء فی کل یوم، بعد این را مفرد قرار می‌دهید، حالا در جایی که ما فی کل یوم در کلام نداریم مستمراً هم نداریم، فقط می‌گوئیم گفته اکرم العلماء نگفته امروز، نگفته فردا، زمان برایش معین نکرده ما باز می‌گوئیم مولا مقصودش در همه‌ی زمان‌هاست، اما نمی‌گوئیم این زمان مفرد یا غیر مفرد.

عرف اصلاً لحاظ مفرد بودن و غیر مفرد بودن را نمی‌کند، تفکیک بین مفرد بودن و غیر مفرد بودن امر غیر عرفی بل امر عقلی امر دقی، عرف این دقتها را نمی‌کند. نه در جانب عام عرف تفصیل بین مفرد بودن و نبودن را می‌پذیرد و نه در جانب خاص تفصیل بین ظرف و قیدیت را، همانطور که شما اگر به عرف مراجعه کنید. عرف در بحث حیثیت تعلیلیه و تقییدیه این تفکیک را نمی‌پذیرد بلکه همه جا تقییدیه می‌داند، یعنی ما اگر از نظر عرف لحاظ کنیم همه جا حیثیت تقییدیه می‌دانند و لذا در جایی که یوم الجمعه قید نباشد باید تکلف پیدا کنیم بگوئیم للأهمیه گفته، للتأکید گفته، خصوصیتی ندارد، می‌گویند کار لغوی است، بنابراین نه تفصیل در عام را عرف قبول می‌کند و نه در خاص را.

لا ینقال که این تفکیک را ما می‌رویم در ارتکاز عرف یعنی گاهی اوقات بعضی آقایان که این اشکالات عرفی را وارد می‌کنیم می‌گویند عرف در نظر بدوی توجه ندارد ولی إذا توجه، بعداً به ارتکازش مراجعه می‌کند و به شما جواب می‌دهد. ما می‌گوئیم چنین چیزی در ارتکاز عرف نیست، در ارتکاز و کمون عرف که بگوئیم با یک سؤال تنبه پیدا کند که زمان مفرد است، اصلاً شما می‌دانید که امام (رضوان الله علیه) روی مبنایی که دارد مفرد بودن در قضایای شرعیه یک امر ممتنعی است، ایشان روی خطابات قانونیه قائل‌اند که اساس نظریه‌ی خطابات قانونیه انکار انحلال در این جملات است.

همین روزها در بحث فقه هم به یک جایی رسیدیم مفصل امام در مقابل مرحوم محقق اصفهانی انحلال را انکار می‌کند و این انحلال معنا ندارد، ما وقتی خطاب واحد داریم، موضوع واحد داریم، انحلال اصلاً معنا ندارد. شما که انحلال معنا را قبول ندارید چطور مفرد بودن را قبول می‌کنید؟ شما می‌خواهید اصالة العمومش را تمسک کنید مسئله مفرد بودن را روی نظر خودتان در اینجا باید بپذیرید، در حالی که ما می‌گوئیم عرف اصالة العموم را جاری می‌کند، عرف مفرد بودن را نمی‌آورد، اتفاقاً این هم مؤید آن اصل نظریه‌تان می‌شود و اصلاً انحلال در اکر نیست، می‌گوئیم این یک حکم مستقل در روز شنبه مفرد است، یک حکم مستقل و یک موضوع مستقلى است، نه! با عنوان اینکه انحلالی هم قائل نمی‌شوند مفرد بودن را هم نمی‌پذیرد، چون در همان بحث انحلال یکی از نکاتی که وجود دارد این است که هذا الانحلال عقلی، هذا الانحلال من جانب العقل ولی عرف انحلال را نمی‌پذیرد. پس عرض ما این است که متبع عرف و عقلا هستند، عرف و عقلا این تفصیلات را اصلاً نمی‌پذیرد، نه مفرد بودن در عام و نه قیدیت و ظرفیت.

کلام مرحوم نائینی

از همه بدتر یعنی بدترین تفاسیل تفصیل مرحوم نائینی است که إذا كان الزمان قیداً للحکم إذا كان الزمان قیداً للمتعلق و بعد آمدند روایت مرحوم شیخ انصاری را بر همین بیان تقیید کردند اینها هیچ کدام در عرف مورد قبول نیست. در همین أَوْفُوا بِالْعُقُودِ که مثال مبتلا به هست ما نسبت به فوریت خیار غبن دلیل مخصص داریم، در غیر زمان فوریت و جواب وفا می آید، أَوْفُوا بِالْعُقُودِ به قوت خودش باقی است و هیچ تردیدی هم در نزد عرف وجود ندارد. می گوئیم شما فوراً باید از این خیار غبن استفاده کنید! اگر فوراً استفاده نکرد برای زمان بعد بگوید حالا چکار کنیم؟ أَوْفُوا بِالْعُقُودِ وجود دارد و اوفوا بالعقود حاکم است. این تنبیه اینجا تمام شد.

توصیه های استاد به فضلی درس

فردا یک نشست در مرکز فقهی هست اگر آقایان حوصله کردید تشریف یاورید راجع به فقه دفاع و امنیت است، یک موضوع نسبتاً جدیدی هم هست که این روزها در حوزه ها هست، فقه هنر، فقه رسانه، فقه دفاع و امنیت، من بناست یک صحبتی داشته باشم ان شاء الله، درس را ما همین جا تمام می کنیم اولاً در ایام فاطمیه از آقایان التماس دعا دارم، حتماً فاطمیه را انجام وظیفه کنید ولو به این مقدار باشد که در منزلتان برای بچه ها ذکر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) کنید، البته سال های متعددی است که این راهپیمایی ها و این دسته جات عزاداری و اقامه مجالس خیلی وفور پیدا کرده و ان شاء الله امسال هم از سالهای قبل بهتر خواهد شد.

یک صحبتی بود که در هفته ی دوم عید درس را شروع کنیم ولی باز با مشورتی که شد ظاهراً هفته دوم هم بسیاری از آقایان نباشند و قرار بر این شد که ان شاء الله هفته بعد از آن روز یکشنبه 15 / 1 / 95 شروع می کنیم.

طلبه باید برای روزهای تعطیلش برنامه داشته باشد، واقعاً اگر امروز ما کتاب را ببندیم و برای شب پانزدهم دو مرتبه باز کنیم به خودمان ضربه زدیم یعنی این قطار فکر را متوقف می کنیم تا بخواهد راه بیفتد خودش کار دارد لذا برای خودتان برنامه داشته باشید و اولاً این تنبیهاتی که از اول سال تا اینجا مطرح شد دوره کنید، خودتان بنویسید، نظر خودتان را ذکر کنید، مطالعات دیگری هم داشته باشید در همین مباحث فقهی و اصولی، روی این تأکید دارم که ذهن در این مباحث همیشه باید در حال کار باشد، در حال جوشش باشد تا ان شاء الله به نتایج خوبی برسیم.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] □ من تجربه ای که در مباحث تحقیقاتی و پژوهشی دارم، برخلاف نظر بعضی از آقایان تفصیل همیشه مطابق با صناعت، یعنی غالباً مطابق با صناعت نیست، مخصوصاً در این امور عرفی، اگر در یک بحثی دیدید که چهار پنج تا تفصیل داده شده، تفصیل همیشه با تکلف درست می شود، با تکلف در استدلال می شود به نتیجه رساند و الا اگر انسان می خواهد یک استدلال مستقیمی در مسائل داشته باشد غالباً به تفصیل در مسئله نمی رسد، یا نفی مطلق است یا اثبات مطلق است.